

آب و آتش

مصاحبه غیر مضموری

با استاد علامه شهید مطهری (ره) / قسمت دوم

سکینه ایزدپناه

اشاره

مولوی، عارف تیزبین، مثلی بسیار عالی راجع به تأثیر حریم زن و مرد می‌زند. می‌گوید مثل مرد، مثل مثل آب است و مثل زن، مثل مثل آتش، اگر حائل از میان آب و آتش برداشته شود آب بر آتش غلبه می‌کند و آن را خاموش می‌سازد، اما اگر حائل و حجابی میان آن دو برقرار گردد، مثل این که آب را در دیگی قرار دهند، و آتش در زیر آن دیگ روشن کنند، آنگاه آتش، آب را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. اندک اندک او را گرم می‌کند و احیاناً جوش و غلیان در او به وجود می‌آورد تا آنجا که وجود او را تبدیل به بخار می‌سازد.

امروز یکی از خلأهایی که در دنیای غرب وجود دارد خلأ عشق است. در کلمات دانشمندان اروپایی، زیاد این نکته به چشم می‌خورد که اولین قربانی آزادی بی‌بندوباری امروز زنان و مردان، عشق و شور و احساسات بسیار شدید و عالی است. در جهان امروز، هرگز عشق‌هایی از نوع عشق‌های شرقی از قبیل عشق‌های لیلی و مجنون و خسرو و شیرین وجود ندارد.

● دیدار: حضرت استاد! با تشکر از شما که در جلسه قبل

با بیان شیوای خود ریشه‌های تاریخی حجاب را برای ما باز کردید و سپس شبهات مخالفین حجاب را نقد کردید. اینجانب، در کتاب «قوانین اساسی و مدنی ایران» خواندم که نویسنده، حجاب را یادگار فکری زمان برده‌داری می‌داند و در جایی می‌گوید: در جامعه اسلامی، زن حق نداشت که با مردان نشست و برخاست کند. این سخن برای خود من بسیار جای تأمل است. آیا چنین بوده است؟

○ **استاد:** بر عکس، در محیط‌های پاک اسلامی، این مرد بود که حق نداشت در نشست و برخاست‌ها از زن بیگانه بهره‌برداری کند. این مرد است که همواره حرص می‌ورزد که زن را وسیله چشم‌چرانی و کامجویی خود قرار دهد. هیچ‌گاه مرد به طبع خود مایل نبوده حائلی میان او و زن وجود داشته باشد و هر وقت که این حائل از میان رفته آن‌که برنده بود مرد بوده است و آن‌که باخته و وسیله شده زن. امروز که مردان موفق شده‌اند با نام‌های فریبنده آزادی و تساوی و غیره این حائل را از میان بردارند، زن را در خدمت کثیف‌ترین مقاصد خویش گرفته‌اند. امروزه زن به عنوان

برده است. زن خود را برای تأمین منافع مادی، در یک مؤسسه تجاری برای جلب مشتری می‌آراید و به صورت مانکن درمی‌آید و شرف خود را در ازاء چندرغاز می‌فروشد. این نشست و برخاست‌ها که نویسنده آرزوی آن را می‌کند جز بهره‌کشی مرد و بهره‌دهی زن مفهومی ندارد.

● **دیدار:** جناب استاد! همین نویسنده تاریخ روابط زن و مرد را از نظر جامعه‌شناسی به چهار دوره تقسیم می‌کند: دوره اول، مرحله طبیعی و اشتراکی اولیه که زن و مرد بدون هیچ‌گونه قید و شرطی باهم آمیزش داشته‌اند. دوره دوم، دوره تسلط مرد است که مرد بر زن غلبه داشته و خود را مالک او دانسته و حجاب یادگار آن دوره است. دوره سوم، مرحله قیام و اعتراض زن است. در این مرحله، زنان از ناسازگاری مردان به ستوه آمده و طغیان کردند و دوره چهارم، مرحله تساوی حقوق زن و مرد است و به دوره اول شباهت کامل دارد و از اواخر قرن ۱۹ شروع شده است. آیا از نظر شما این دسته‌بندی تعجب‌آور، صحیح است؟

○ **استاد:** تقسیم تاریخ روابط زن و مرد به چهار دوره تقلید نارسانی است از آنچه پیروان کمونیسم درباره ادوار



نمی‌داده که مردان به صورت یک طبقه زبردست بر زنان حکومت کنند و آنان را استثمار کنند. علایق زوجین به یکدیگر حتی در اجتماعات گذشته بیشتر عاطفی بوده و زن با نیروی جاذبه و جمال خود بر قلب مرد حکومت می‌کرده و او را در خدمت خود می‌گرفته است. مرد به میل و رغبت خود نان‌آور زن شده و راضی شده او با خیال راحت به خود برسد و مایه تسکین قلب او باشد. در عین حال، انکار نمی‌کنیم که مرد در گذشته هم به زن و هم به فرزند ظلم کرده و از هر دو اینها بهره‌کشی اقتصادی کرده است. ولی این را به صورت یک اصل کلی حاکم بر تمام جوامع ماقبل قرن نوزدهم نمی‌توان ذکر کرد. تجاوز به حقوق واقعی زن و استثمار زن

نسبت به او منحصر به ماقبل از قرن ۱۹ نیست. در قرن ۱۹ و ۲۰ حقوق واقعی زن کمتر پایمال نشده، منتها از مشخصات این قرن این است که با مقاصد استثمارگرانه، بر مفاهیم انسانی سرپوش گذاشته می‌شود. ● **دیدار:** حضرت استاد با توجه به پاسخ کامل شما که مسأله بهره‌کشی اقتصادی زن را در گذشته مطرح کردید. بفرمایید اسلام در مورد پوشش زن آیا تلویحاً خواسته، زن را از نظر اقتصادی در خدمت مرد قرار دهد؟

○ **استاد:** قدر مسلم این است که حجاب در اسلام بدین منظور نیست. اسلام هرگز نخواسته مرد از زن بهره‌کشی اقتصادی کند بلکه سخت با آن مبارزه کرده است. اسلام با قطعیت تمام اعلام کرده که مرد هیچ‌گونه حق استفاده اقتصادی از زن ندارد. این مسأله که زن استقلال اقتصادی دارد از مسلمانات قطعی اسلام است. کار زن از نظر اسلام، متعلق به خود اوست. زن که مایل باشد کاری که در خانه به

تاریخی زندگی بشر از نظر عوامل اقتصادی ذکر کرده‌اند. آنان می‌گویند: ادوار تاریخی بشر عبارت است از دوره اشتراک اولیه، دوره ملوک الطوائفی و دوره سرمایه‌داری و دوره کمونیزم و اشتراک ثانوی که شباهت به دوره اشتراک اولیه دارد. آنچه درباره ادوار زندگی زن آمده کپی‌ای است از آنجا ولی کپی‌ای که به هیچ حسابی درست در نمی‌آید. به عقیده ما چنین دوره‌هایی در زندگی زن هرگز نبوده است و همان دوره اولی که به عنوان اشتراک اولیه معرفی می‌کند از لحاظ تاریخی و جامعه‌شناسی به هیچ وجه مورد تصدیق نیست. جامعه‌شناسی تاکنون نتوانسته

است قرینه‌ای بدست آورد که دوره‌ای بر بشر گذشته که

زندگی خانوادگی

وجود نداشته است. ما

درباره ادوار تاریخی

نمی‌خواهیم به تفصیل

بحث کنیم. فقط خود

این مدعا را که

می‌گوید: «پوشش زن

معلول مالکیت مرد

نسبت به زن است»

مورد بررسی قرار

می‌دهیم: ما این جهت

را که در گذشته، مرد

به زن به چشم یک

ابزار می‌نگریست و از

او بهره‌کشی اقتصادی

می‌کرد به صورت

اصل حاکم بر همه

اجتماعات گذشته قبول

نداریم. علایق عاطفی

زوجیت هرگز اجازه



زن می تواند هر نوع کاری، همین قدر که فاسد کننده خانواده و مزاحم حقوق ازدواج نباشد برای خود انتخاب کند و درآمدش هم منحصرأ متعلق به خود اوست.

انحصارطلبی مرد نیستیم. ما مدعی هستیم که فرضاً مرد حسادت را با نیروی اخلاقی از میان ببرد، یک نوع حس اجتماعی در او وجود دارد که اجازه نمی دهد همسرش با مردان دیگر رابطه داشته باشد و منحصر شناختن علت حساسیت مرد به حس حسادت یک انحراف اخلاقی فردی است. [همچنین] زن را با ثروت نباید قیاس کرد. ثروت با

مصرف کردن از بین می رود لذا مورد تنازع و کشمکش واقع می شود. ولی کامجویی یک نفر مانع استفاده دیگران نیست در اینجا مسأله انبار کردن و افکار مطرح نیست.

● **دیدار:** جناب استاد! در پاسخ سؤال قبلی به غیرت مردان اشاره کردید. آیا اساساً غیرت همان حسادت است که تغییر نام یافته است و آیا غیرت در زنان هم وجود دارد؟

○ **استاد:** ما معتقدیم که حسادت و غیرت دو صفت کاملاً متفاوت اند و هر کدام ریشه ای جداگانه دارند. ریشه حسادت خودخواهی و از غرائز و احساسات

شخصی است. ولی غیرت یک حس اجتماعی و

نوعی است و فایده

و هدفش متوجه

دیگران است.

از نظر ما، در

مرد تمایل به

عفاف و پاکی

زن وجود

دارد؛ یعنی

مرد رغبت

خاصی دارد

که همسرش

پاک و دست

نخورده

باشد.

همچنان که

در خود زن

نیز تمایل

خاصی به

عفاف وجود

دارد. البته،

در زن تمایل

وی واگذار می شود مجاناً و تبرعاً انجام می دهد اگر نخواهد مرد حق ندارد او را مجبور کند حتی در شیردادن به طفل با این که زن اولویت دارد، اولویت او موجب سقوط حق اجرت او نیست. زن می تواند هر نوع کاری همین قدر که فاسد کننده خانواده و مزاحم حقوق ازدواج نباشد برای خود انتخاب کند و درآمدش هم منحصرأ متعلق به خود اوست. اگر اسلام در حجاب نظر به استثمار اقتصادی آن داشت بیکاری زن را برای مرد تجویز می کرد. معقول نیست که از یک طرف برای زن استقلال اقتصادی قائل شود و از طرف دیگر، حجاب را به منظور استقلال و استثمار زن وضع کند. پس اسلام چنین منظوری نداشته است.

● **دیدار:** استاد گرامی! راسل می گوید: بشر توانسته است تا حدی در مورد مال و ثروت بر خودخواهی و بخل غالب گردد ولی در مورد زن نتوانسته است بر این خودخواهی تسلط پیدا کند. به نظر من هم این گفته یک قیاس مع الفارق است ولی به درستی نمی توانم برای آن دلیل بیاورم، لطفاً شما توضیح دهید؟

○ **استاد:** [در واقع] مفهوم سخن راسل این است که اگر بذل و بخشش در مورد ثروت خوب است در مورد زن هم خوب است. [اما] سر این که مرد حساسیت فوق العاده ای در جلوگیری از همسرش با دیگران دارد، این است که خلقت مأموریتی به او داده است تا نسب را در نسل آینده حفظ کند. این احساس مانند احساس علاقه به فرزند است. اگر [این گونه] نمی بود رابطه نسل ها با یکدیگر به کلی قطع می شد. هیچ پدری فرزند خود را نمی شناخت و هیچ فرزندی پدر خود را نمی شناخت. قطع این رابطه اساس اجتماعی بودن بشر را متزلزل می سازد. پیشنهاد، این که انسان به عنوان مبارزه با خودخواهی، غیرت را کنار بگذارد درست مثل این است که پیشنهاد شود غریزه علاقه به فرزند را به عنوان این که یک میل نفسانی است ریشه کن کنیم. در صورتی که، این یک میل نفسانی حیوانی نیست بلکه یک احساس عالی بشری است. ما منکر حس حسادت و

به این که شوهر با زن دیگر رابطه نداشته باشد نیز وجود دارد، ولی این تمایل به عقیده ما ریشه دیگری دارد که مغایر با ریشه تمایل مشابهی است که در مرد وجود دارد آنچه در مرد وجود دارد غیرت است و یا آمیخته‌ای از حسادت و غیرت ولی آنچه در زن وجود دارد، صرفاً حسادت است. غیرت نوعی پاسبانی است که در آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسل‌ها در وجود بشر نهاده است. علاقه به حفظ نسل در زن هم وجود دارد، ولی در آنجا احتیاج به پاسبان نیست. زیرا انتساب فرزندان به مادر همیشه محفوظ است و اشتباه‌پذیر نیست. احساس زن (در منع شوهر با دیگران) را می‌توان ناشی از خودخواهی و انحصارطلبی دانست ولی این احساس مرد، چنان که گفتیم، جنبه اجتماعی دارد.

● دیدار: حضرت استاد! با تشکر از سخنان روشنگر شما. برای تکمیل این بحث بفرمایید آیا نظر اسلام درباره حجاب و پوشش را می‌توان احترام گذاشتن به حس غیرت مرد دانست؟

○ استاد: جواب این است که بدون شک اسلام همان فلسفه‌ای که در حس غیرت هست؛ یعنی حفاظت و پاکی نسل و عدم اختلاط انساب را منظور نظر دارد ولی علت حجاب اسلامی منحصر به این نیست.

● دیدار: حضرت استاد تا اینجا سؤالاتی که از شما پرسیده‌ام و علی که درباره حجاب ذکر شد به نظر خودم

مورد استفاده مخالفان پوشیدگی بود، آیا در بین، بخصوص غیرمسلمانان نظر مثبت و منصفانه نسبت به حجاب زن هم وجود دارد؟

○ استاد: ویل دورانت می‌گوید: «حیا امری غریزی نیست بلکه اکتسابی است. زنان دریافتند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود دادند.» هم او می‌گوید: «خودداری از انبساط و امساک در بذل و بخشش بهترین سلاح برای شکار مردان است. اگر اعضای نهانی انسان را در معرض عام تشریح می‌کردند، توجه ما به آن جلب می‌شد ولی رغبت و قصد به ندرت تحریک می‌گردید. مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیا است. بی آن که بداند حس می‌کند. این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می‌دهد.»

راسل می‌گوید: «از لحاظ هنر مایه تأسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون آن که غیرممکن گردد.»

در جایی که اخلاقیات کاملاً آزاد باشد، انسانی که بالقوه ممکن است عشق شاعرانه داشته باشد عملاً بر اثر موفقیت‌های متوالی بواسطه جاذبه شخصی خود، ندرتاً نیازی به توسل به عالی‌ترین تخیلات خود خواهد داشت. ویل دورانت در لذات فلسفه می‌گوید: «آنچه بجویم و نیابیم عزیز و گران بها می‌گردد. زیبایی به قدرت میل بستگی دارد و میل با اقناع ارضاء، ضعیف و با منع و جلوگیری قوی می‌گردد.» و از همه عجیب‌تر سخت است، که یکی از مجلات از آلفرد هیچکاک نقل می‌کند او می‌گوید:

«من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان و پرآتریک باشد؛ بدین معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود مرد را به نیروی تخیل و تصور زیاده‌تری وادارد.» باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند؛ یعنی کمتر ماهیت خود را نشان دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت دهد، از همین شخص نقل می‌شود:

«زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبندی که به کار می‌بردند، خود به خود جذاب می‌نمودند و همین مسأله، جاذبه نیرومندی بدان‌ها می‌داد. اما به تدریج، با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می‌دهند، حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود از میان می‌رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می‌شود.»

ادامه دارد